

مقاله حاضر در چهارمین جشنواره مطبوعات «بهار ۱۳۷۵» در بخش نقد فرهنگی رتبه نخست را حائز گردید، ما بخش آخر آن را که بیشتر کاربردی است انتخاب کرده‌ایم. با تشکر از نویسنده محترم - ماهنامه کوثر

زمینه‌های تهاجم‌پذیری

انقلاب پیروز شد و امام با تیزبینی پیامبرگونه خود دستور تدوین قانون اساسی را دادند و با سرعت نظام سیاسی را حاکمیت بخشیدند. عزیزانی چون دکتر بهشتی با درک عملکردهای درونی نظامها در کنار نظامهای سنتی، سازماندهی جدیدی برای خلق نظامهای انقلابی را پایه ریزی کردند و جهاد سازندگی، سپاه، بسیج و کمیته‌های انقلاب اسلامی بوجود آمد اما روند حرکت نظام سازی به دلایل عمده زیر تا اندازه زیادی دستخوش فراموشی قرار گرفت:

۱- وجود نظامهای بازمانده از قبل، در عمل اجازه نداد تشنگی وجود نظامهای متناسب با آرمانها و ارزشهای اسلامی احساس شود.

۲- عدم شناخت لازم از عملکردهای نظامها (سیستمها) از سوی برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دوره‌های گذشته و مدیران ارشد و

خلاصه کردن اقدامات اصلاحی در تعویض مسؤولین نظامها و اصلاح ظاهری بعضی از قوانین جاری.

۳- نارسائیها و ناتوانیهای تاریخی حوزه‌های علمیه برای پاسخ‌گویی به این نیازهای اجتماعی.

۴- ناکافی بودن نظریه پردازان آرمان‌گرایی اسلامی در دانشگاهها.

۵- دوری نهادی و فکری حوزه و دانشگاه از یکدیگر.

۶- ایجاد بحرانهای سیاسی و نظامی از طریق گروهکهای وابسته در آغاز انقلاب.

۷- تحمیل جنگ هشت ساله و تخریب وسیع منابع انسانی و اقتصادی و نظامی جامعه.

با پذیرش قطعنامه در حالی که چند مسأله مهم رو در روی مسؤولین اجرایی بود، فصل تازه‌ای از تحولات جامعه انقلابی ما آغاز گردید.

- منابع وسیع اقتصادی در اثر جنگ از بین رفته بود.

- رشد جمعیت با هرم بسیار جوانی تداوم می‌یافت و هر روز و هر لحظه نیاز جدیدی خلق می‌شد و با این رشد جمعیت پیوند می‌خورد.

- توقعات و انتظارات مردم متأثر از فرهنگ تاریخ گذشته ایران تماماً متوجه اقدامات دولت بود.

- دشمن مترصد بوجود آمدن بحرانهای سیاسی، فرهنگی برای شکستن ابهت انقلاب و جلوگیری از بیداری ملتها از هیچ ضربه‌ای فروگذار نمی‌کرد.

در چنین شرایطی باید برای برنامه‌ریزی دوران سازندگی ابتدا استراتژیهای اصلی انتخاب می‌شد. محور برنامه‌ها گرچه تحت عنوان برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی متمرکز بود، اما حرف اصلی آن فهرست کردن مجموعه اقداماتی بود که بتواند با سرعت پاسخگوی نیازهای مادی مردم باشد.

در این مرحله از سازندگی برای

پنج گام بسوی دفاع فرهنگی

دولتمردان و مجریان یک راه حل عملی بیشتر وجود نداشت و آن هم بازسازی روبنایی و ظاهری نظامهای به جا مانده از رژیم گذشته بود. برای حل مشکلات اقتصادی جامعه، نهادهای ستادی و کارشناسی نظام اجرایی از جمله سازمان برنامه و بودجه، سازمان امور اداری، کارشناسان دستگاههای اجرایی صادقانه آنچه در توان داشتند برای ساماندهی وضع موجود بکار بردند، اما در این مرحله باید در بیرون از نظام اجرایی یک جریان فکری متشکل از نخبگان حوزه‌های علمیه، دانشگاهها و مسئولین اجرایی سازماندهی می‌شد و بازسازی ریشه‌ای نظامهای اجتماعی را متناسب با اهداف غائی جامعه اسلامی پیگیری می‌کرد و با تدوین نهایی آن بتدریج جایگزین نظامهای موجود می‌شد.

با عدم تشکیل چنین جریانی دشمن به یکی از اهداف شوم خود دست یافت. یعنی با تحمیل جنگ و نابودی اقتصاد، رشد جمعیت و بهره‌گیری از نابسامانیهای فرهنگی قبل از انقلاب ما را به نقطه‌ای رسانید که جز ساماندهی

نظامهای قبل از انقلاب کار دیگری نتوانیم انجام دهیم و از رهگذر عادت دادن مدیریت انقلاب اسلامی با نظامهای اصلاح شده قبلی، خلأ وجود نظامهای مناسب جامعه اسلامی پر گردید.

در سالهای بعد از جنگ عملکرد نظامهای عاریتی در درون روابط اجتماعی آثار تلخ فرهنگی خود را منتشر نمود که به عنوان نمونه می‌توان به نمودهایی از آن اشاره کرد و جریان آرام تغییر و تحول فکری، گفتاری و رفتاری نیروهای مخلص انقلاب را از درون هر یک از نظامهای درونی جامعه ارزیابی نمود.

عزیزانی به بانکها رفتند و بعد از مدتی برای آنها پول به عنوان خون جامعه و محور تمامی مسائل جامعه تعریف شد، برای جمع‌آوری پول سرگردان جامعه طرح تبلیغ ریختند و در پربیننده‌ترین اوقات تلویزیون با نشان دادن ماشین پر از اسکناس و کلید طلایی منزل، مشغول تحریک روحیه پول پرستی امت اسلامی، ایجاد اختلاف در خانواده‌ها و جلوه دادن «زیادی پول به

عنوان یک ارزش» در رفتارهای اجتماعی شدند. بدون آنکه لحظه‌ای تأمل کنند و بیندیشند و رابطه این تبلیغات را با هدف اصلی نظام اسلامی بسنجند.

برادرانی به نهادهای اقتصادی رفتند و اقتصاد برایشان زیربنا گردید و در همه نوشته‌ها، کنفرانسها و مقاله‌ها در صدد اثبات این معنا برآمدند که ریشه مشکلات اقتصادی در ناهماهنگیهای فرهنگ گذشته با رشد و توسعه اقتصادی است و لذا تنها ابزارهایشان سیاستهای پولی و مالی بود و از رهگذر این سیاستها نرخ بهره ابزار هدایت اقتصاد جامعه گردید و بازار بورس وسیله جذب سرمایه‌ها در تولید و پیش‌نیاز آن، حساس کردن ذهن مردم نسبت به قدرت خرید پول و بیگیری روزانه نرخ بهره و هیچ یک از این عزیزان از خود سؤال نکردند، با توجه به آرمانهای انقلاب تا کجا می‌توان ذهن انسانهای مسلمان را متوجه این عوامل کرد و چقدر باید کسب پول و مال را تبلیغ



قدم اول: عنایت عمیق و توجه همه جانبه به رهنمودهای مقام معظم رهبری از طرف سیاستمداران، مدیران عالیرتبه، کارشناسان ارشد و نظریه پردازان اجتماعی.

از تغییرات قیمت روزانه ارز، سکه و نرخ عمده فروشی و خرده فروشی، ابزار دست کارشناسان حوزه‌های اقتصاد نشوند و راه حل‌هایی را برای بحرانهای اقتصادی ارائه دهند که در جریان بکارگیری آن، فرهنگ انسانی قربانی نشود و کارشناسان حوزه معاونت فرهنگی پل ارتباطی حوزه‌های اسلامی با نهاد برنامه‌ریزی کشور باشند، واسفا که هر روز روزنامه و مجله‌ای در آمد و دلسوزانی در آنجا قلم به دست گرفتند و خدمتگزارانی را که جرأت پیدا کرده و در درون این نظامها مسؤولیتی را پیدا کردند به باد انتقاد گرفتند که شما باید عوامل بوجود آورنده تورم، شما باید عوامل پدیده بحران فرهنگی، شما باید عوامل ... بدون آنکه توجه کنند مخاطب آنها قربانی نظام دانشگاهی به جا مانده از رژیم گذشته‌اند و حالا نیز مسؤول اداره تشکیلاتی از نظامات تثبیت شده از زمان قبل و میزان اتهام او تنها، نداشتن شک به ساز و کار نظام تحت سرپرستی و عدم اراده برای ایفای نقش در اصلاح ریشه‌ای نظام تحت مسؤولیت اوست و حالا اگر این شک را داشت و این اراده را پیدا می‌کرد و به عنوان یک مدیر متعهد به آرمانهای انقلاب در جستجوی سؤالات بی‌شمار خود سراغ نهادهای فکری جامعه می‌رفت و برای اصلاح شیوه مدیریت خود و اصلاح نظام تحت مسؤولیتش در چارچوب ارزشهای اسلامی کمک می‌خواست، کدام حوزه، کدام دانشگاه، کدام نظریه‌پرداز اسلام و کدام اندیشمند مسلمان به او کمک می‌نمود؟!

نفسانیات خودمان توسعه می‌دهد و توقع می‌آفریند و این توقع با معضل فرهنگی قبل از انقلاب گره می‌خورد و بر دولت تحمیل می‌شود و دولت مردان که نگران تبدیل آن به معضل سیاسی هستند، مشغول رفتارهای انفعالی برای حل بحرانهای روزمره‌اند و نمی‌توانند در عمل، تحقق آرمانها را تعقیب نمایند. گروهی نیز در سمینارهای فرهنگی، برادران دیروز و امروز خودشان را در بخش اقتصاد متهم به فراموشی آرمانها نموده و ریشه مشکلات فرهنگی را در حاکمیت لیبرالها در حوزه‌های اقتصاد می‌بینند. و گروهی در محافل سیاسی بدون درک ریشه‌های عمیق مشکلات، هم‌زمان و هم‌مخاطب دیروز و امروز خود را با انواع اتهامات و برچسبها از صحنه‌های کار و سازندگی دور می‌سازند غافل از آنکه همه قربانی مسأله‌ای بنام «عدم درک نقش نظامهای برجای مانده از قبل بر رفتارهای انسانهای مؤمن امروز هستیم» و لذا روزهای اول انقلاب برای ساختن حمام و مدرسه در روستاها، نیروهای حزب‌الله را اعزام کردیم اما بعد از هفده سال متوجه شدیم که سازمان برنامه نظام جمهوری اسلامی باید معاون فرهنگی داشته باشد و شاید چند سالی بگذرد که قدم بعدی شناخته شود و بدانیم کارشناسان این حوزه باید قوی‌ترین اسلام شناسان باشند تا متأثر

نمود؟ و دیدیم که چگونه نظام آماری تک بعدی وقتی می‌خواهد آمار مربوط به تحولات جامعه را ارائه دهد تنها توان تحلیل تغییرات مادی را دارد و تحولات فرهنگی در کلیات و در حاشیه باقی می‌ماند. و دیگری از نیروهای انقلاب که به صنعت، تولید و تجارت رفتند، بتدریج نمازشان بی‌روح و حضورشان در مراسم دعا و سوگواری برای فرار از عذاب وجدان شد. چرا که خوب احساس می‌کنند دست‌یابی به این موقعیتها به واسطه نثار خون صدها هزار شهید به خون خفته میسر گردیده است و متأثر از روح حاکم بر نظامهای غربی که نمود آن جداسازی علوم مختلف مربوط به زندگی انسانها از یکدیگر است، نیروهای متدین و انقلابی را به دانشگاه فرستادیم و حالا بعضاً فارغ‌التحصیل شده و هر یک در نظامی از نظامهای فرعی مشغول کار و جدا از هم در سمینارها، نشستها و محافل خصوصی علیه هم مقاله می‌نویسند و یکدیگر را متهم می‌سازند. گروهی در سمینارهای اقتصادی ریشه تورم را در معضلات فرهنگی می‌بینند و آرزو می‌کنند کارشناسان فرهنگی، معضلات اقتصاد را بفهمند و مشابه نظام غربی، فرهنگ را به نفع حل بحرانهای اقتصادی اصلاح کنند. غافل از اینکه زندگی مصرفی را نظامات باقی مانده از رژیم گذشته به همراه رشد

می‌دهند که نباید تحت تأثیر فرضیه و نظریه‌های به ظاهر علمی کارشناسان غربی باشیم و لذا باید از این ظرفیت وجودی و این مخزن علم و فضیلت در برداشتن قدمهای بعدی کمک گرفت.

قدم دوم: سازماندهی حرکتی است که توسط آن بتوان بتدریج گسیختگی حاصل از حضور نظامهای بیگانه را در دهه‌های اخیر جبران ساخت. برای روشن شدن مطلب دو مثال ذکر می‌گردد:

۱- در جامعه گذشته ما، نظام آموزشی ارزشمندی وجود داشته که منطقاً می‌بایست از طریق متولیان آن تحولات لازم را برای پاسخگویی به نیاز زمان پیدا می‌کرد. اما حضور نظام آموزشی بیگانه و سرعت جایگزینی آن و عدم احساس نیاز جدی جامعه به نظام قدیمی، تحولات آن را کند ساخته است.

۲- در گذشته ایران مراجع محترم روحانی نظام مالیه خاصی را سازمان داده و با بهترین وجهی مسائل اجتماعی زمان خود را حل و فصل می‌کرده‌اند. این نظام نیز می‌بایست تحولات لازم را برای شرایط امروز پیدا می‌کرد اما حضور نظام مالیه به سبک غرب و عدم نیاز جامعه به ادامه نظام سنتی موجبات فراموشی و اضمحلال آن نظام را فراهم ساخته است و لذا باید با هدف بازسازی مجموعه نظامها و تنظیم رابطه آنها با یکدیگر به نحوی که هدف غایی جامعه را مشخص سازد، در چارچوب یک نگرش نظام‌گرا کلیه عناصر و روابط و راه‌کارهای اجرایی بازسازی شوند. الگوی کلی مورد نظر مطابق با نمودار زیر قابل تصور است:

اگر «اقامه نماز» به مفهوم معنی عمیق آن صورت پذیرد و مطابق تأکیدات خاص قرآن و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار جایگاه واقعی خود را پیدا کند و متأثر از اقامه نماز، مساجد احیاء شوند و در پی آن امر به معروف و نهی از منکر در متن روابط اجتماعی باز گردد و از حوزه مسائل شرعی فردی به مسائل شرعی اجتماعی و حکومتی سرایت پیدا کند، جامعه بطور فزاینده برای پذیرش نظامهای مبتنی بر آرمانهای اسلامی آماده می‌شود.

چه باید کرد؟

حال با مروری بر عملکرد نظامهای غربی و پیوند آن با معضلات فرهنگی قبل از انقلاب و اشتباهات و نارساییهای بعد از انقلاب. برای کشف راه‌حلها برای مواجهه با تهاجم بصورت فشرده راه‌حلهایی ارائه می‌گردد:

قدم اول: عنایت عمیق و توجه همه جانبه به رهنمودهای مقام معظم رهبری از طرف سیاستمداران، مدیران عالی‌رتبه، کارشناسان ارشد و نظریه‌پردازان اجتماعی.

این توصیه یک توصیه اخلاقی و دینی نیست. واقعیت این است که اقدامات، رهنمودها و تذکرات معظم‌له نشان می‌دهد که حضرت ایشان، بر تمامی دردها و معضلات برشمرده اشراف کامل دارند و بسیاری از ناشناخته‌های ما را می‌شناسند. برای مثال:

- در زمانی که همه نگران بحرانهای اقتصادی بودند، ایشان از حضور تهاجم

فرهنگی خبر می‌دهند و آنگاه که احساس می‌کنند بسیاری از خواص مطلب را در نیافتند، از وجود شیخون فرهنگی سخن می‌گویند.

- روزی به صحنه می‌آیند و برای اصلاح استراتژی حاکم بر برنامه دوم توسعه، رهنمودهای ارزشمند خود را برای ایجاد توجهی متعادل به تمامی ابعاد وجودی یک جامعه اسلامی اعلام می‌کنند.

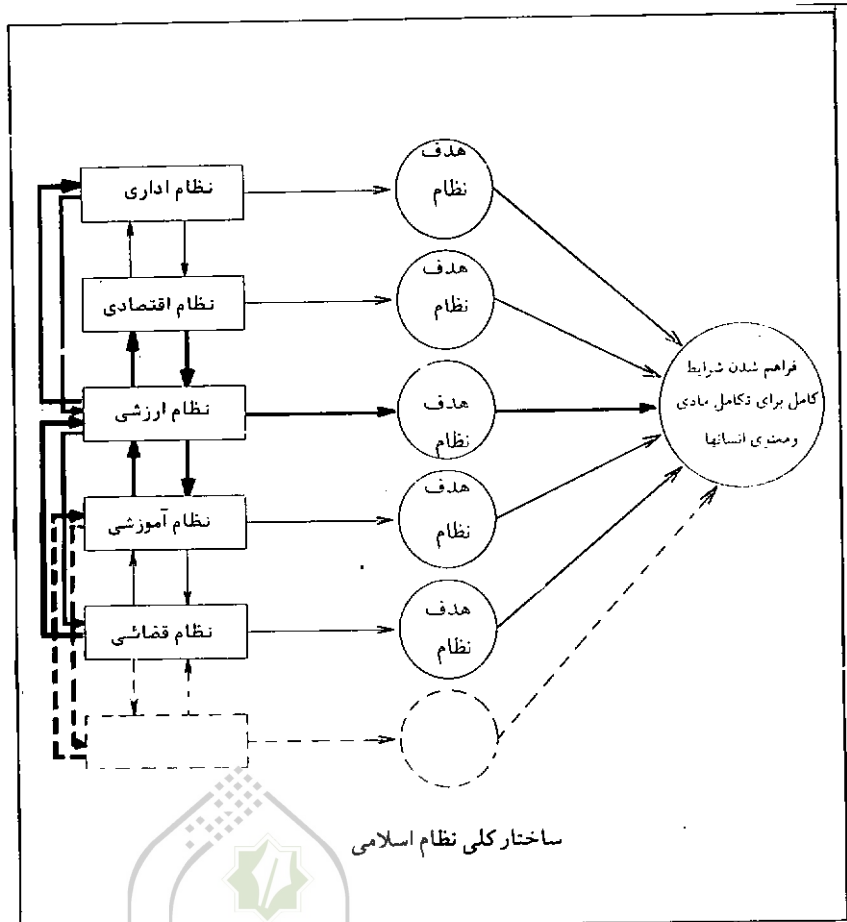
- زمانی به قم مشرف می‌شوند و با هشدارهای حکیمانه خود حوزه‌های علمیه را به حضور در صحنه‌های اداره فکری حکومت دعوت می‌نمایند.

- در ملاقات وزیر آموزش عالی به ایشان صریح و بی‌پرده اعلام می‌دارند دانشگاهها علیرغم تغییرات زیاد، هنوز اسلامی نشده است.

- در ملاقات رئیس سازمان برنامه و بودجه از ضرورت تدوین نظام برنامه‌ریزی خاص جامعه اسلامی سخن می‌گویند و با بیانی عمیق هشدار



- نظام سیاسی جامعه در جریان شکل‌گیری هرم حاکمیت، از یک سو تأثیرات خود را در احیاء مجموعه نظامهای اجتماعی اسلام باید ارزیابی نماید و از سوی دیگر احیاءگر ارزشهای راستین در شکل‌گیری هرم مدیریت ارزشی اسلام باشد و یا به عبارتی ساز و کارهای انتخاباتی به نحوی عمل کند که درجه صلاحیت‌های دینی و اخلاقی و تقوایی سلسله مراتب حاکمیت به سمت بالا افزایش یابد و علاوه بر آن مدیرانی، در رأس نظامهای مختلف قرار گیرند که توان اصلاح زیربنایی نظامهای موجود در راستای اهداف اسلامی را داشته باشند.

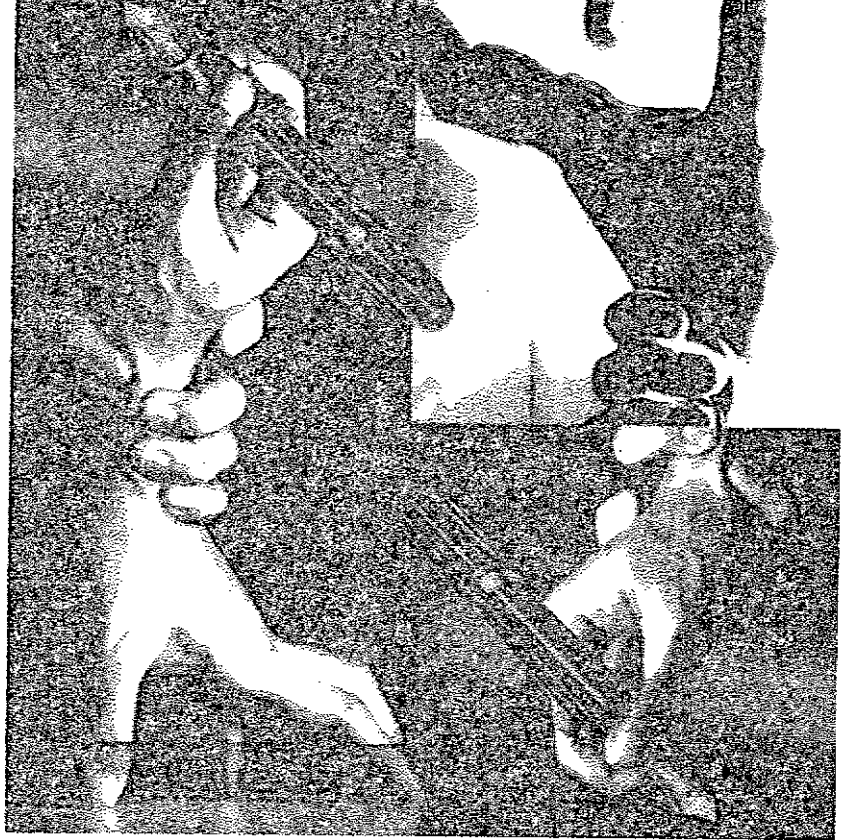


پیش‌نیاز تحقق چنین نظامی بازگشت جدی و همه‌جانبه به مفاهیم و متون اسلامی است. چرا که تنها عمل به دستورات دینی است که توان همزمان سازی تحقق اهداف چندگانه را در بر دارد. برای مثال: در روش پرداخت وجوه شرعی همزمان علاوه بر تأمین منابع برای حکومت اسلامی نوعی خودسازی فردی برای پرداخت‌کننده به همراه دارد و شکل عمل به آن نحوی است که انسان پرداخت‌کننده را به تجدید نظر در جریان جمع‌آوری سالم مال دعوت می‌کند و یا مدیریت ارزشی اسلام است که در مدیر این روحیه را بوجود می‌آورد که همزمان با افزایش کارایی نیروی انسانی تحت مدیریت خود برای افزایش تولید کالا و یا خدمات مؤسسه مربوطه رسالت سالم‌سازی اخلاقی و دینی آنها را به عهده می‌گیرد.

این مطلب با هدف نهایی جامعه در تضاد است. نظام آموزشی جامعه باید جهت چنین نظام اقتصادی، نیروی انسانی را تربیت کند که کار را امری صواب و مشارکت در گسترش تولید را وظیفه شرعی تلقی نماید. - نظام تبلیغات جامعه به جای توسعه مصرف برای گسترش تقاضا و ایجاد رونق اقتصادی، احیاء‌کننده مفاهیمی چون قناعت، صرفه‌جویی، دوری از تبذیر و اسراف، توصیه‌کننده به امر خیر، احیاگر وقف و نذر و تلاش برای رفع مشکلات مادی و معنوی مسلمانان باشد و برای آنکه از طریق این مفاهیم روحیه کم‌کاری، بی‌نظمی و زهدگرایی انحرافی تقویت نشود، مفاهیم دیگر زندگی‌ساز اسلام را نظام‌مند و زندگی‌پر تلاش بزرگان دین را الگوسازی نماید.

ساختار کلی نظام اسلامی

بر اساس این الگو تمامی راه‌حلهای درونی نظامها طوری باید انتخاب شود که علاوه بر تحقق هدف اولیه هر نظام نحوه انجام امور به شکلی طراحی گردد که زمینه برای تحقق هدف غائی نظام فراهم شود و در تنظیم رابطه بین نظامها بر خلاف نظام غربی که حرکت‌های اصلاحی یکطرفه بود و همه نظامها به نفع تحقق اهداف نظام اقتصادی اصلاح می‌گردید، اصلاحات دو طرفه بوده و تماماً در راستای تحقق آرمان نهایی یعنی فراهم کردن شرایط رشد و تکامل مادی و معنوی انسانها جرح و تعدیل می‌شود بدین ترتیب که: - نظام اقتصادی به ترتیبی جریان جذب سرمایه و رشد اقتصادی را دنبال کند که زمینه روحیه مادی‌گرایی و خودبینی را در جامعه گسترش ندهد. زیرا



مشکلی است که باید جامعه نخبگان برای آن راه حل یابی نمایند.

قدم مهم و نهایی اینک: وقتی می‌توان نظامهای اصلاح شده بر اساس آرمانهای اسلام را اجرا نمود که توده‌های وسیع مردمی آمادگی پذیرش آن را پیدا نمایند. در این مرحله باز خود اسلام است که باید یازی دهد. خوشبختانه هم متون نظری اسلام و هم تجربه عملی آن در صدر اسلام نشان داده است که اگر «اقامه نماز» به مفهوم معنی عمیق آن صورت پذیرد و مطابق تأکیدات خاص قرآن و پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار جایگاه واقعی خود را پیدا کند و متأثر از اقامه نماز، مساجد احیاء شوند و در پی آن امر به معروف و نهی از منکر در متن روابط اجتماعی باز گردد و از حوزه مسائل شرعی فردی به مسائل شرعی اجتماعی و حکومتی سرایت پیدا کند، جامعه بطور فزاینده برای پذیرش نظامهای مبتنی بر آرمانهای اسلامی آماده می‌شود. بدیهی است که با این نگرش قدر و منزلت اقدامات سازمان یافته سالهای اخیر برای احیای نماز ارزشی بسیار فراتر از آنچه امروز به نظر می‌رسد خواهد داشت چرا که روشن می‌گردد چگونه نماز داروی هر درد کهنه و عمیق فردی و اجتماعی است.

البته لازم به توضیح نیست که اقامه نماز موج آفرین، نمازیست به مراتب عمیق‌تر از نمازی که نوعاً بر پا می‌شود، اما راه رسیدن به عمق نمازی کارساز و موج آفرین از همین مسیری است که آغاز شده و امید است تداوم یابد.



قدم سوم: انتشار دست‌آوردهای جامعه نخبگان درون حوزه‌های علمیه و دانشگاهها

دستگاهها باید با موضوع درگیر شوند. در این مرحله مشکل عمده ظاهر خواهد شد و آن اینکه نظام سیاسی انتخاب شده به نحوی است که هر دو سال یکبار به واسطه انتخاب رئیس جمهوری و یا نمایندگان مجلس دچار فضای اجتماعی خاصی خواهد شد که در عمل هم مجریان و هم نمایندگان مجلس را دائماً به حل بحرانهای روزمره و آرام‌سازی جامعه دعوت می‌کنند و مشخص نیست چگونه با چنین نظام مدیریتی کوتاه مدت می‌توان هدفهای درازمدت را تعقیب نمود. گرچه ممکن است اکثریت بالایی از نمایندگان و مجریان به لحاظ دلسوزی فردی نگران اهداف دراز مدت و آرمانی باشند اما وقتی اهداف درازمدت تحقق می‌یابند که نظامهای اجرایی در عمل و بطور سیستماتیک آنها را تعقیب نماید. به هر حال این خود

برای سازماندهی چنین حرکتی باید جمعی از نخبگان حوزه‌های علمیه، دانشگاهها و دستگاههای اجرایی در قالب سازمان مشخصی گرد هم جمع شوند و انجام امور را مرحله به مرحله تعقیب نمایند.

قدم سوم: انتشار دست‌آوردهای جامعه نخبگان درون حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و دستگاههای اجرایی برای آموزش، فرهنگ سازی، تکامل ایده‌ها و آماده‌سازی جامعه برای مراحل بعدی.

قدم چهارم: تا این مرحله از اقدامات جریان یک حرکت فکری و علمی فرهنگی است و بعد از این مرحله نوبت به ورود نتایج مباحث به درون دستگاههای اجرایی می‌رسد که در این رابطه برای اصلاحات قوانین و ساختارهای تشکیلاتی و اجرایی کشور، نمایندگان مجلس، وزرا، مدیران ارشد